

تکنولوژی های پیشرفته روبه رو است، سخت خواهد شد. البته این به معنای تعطیلی این فعالیتهای نیست، زیرا طی سال های گذشته با وجود این محدودیتهای، صنعت نفت و گاز و پتروشیمی ایران به فعالیت و پیشرفت خود ادامه داده است. اما در صورت تحول مثبت در روابط ایران و آمریکا، این پیشرفتهای می تواند با سرعت بیشتر و هزینه های کمتری تداوم یابد. نباید فراموش کرد که قبل از انتخاب دولت آقای بوش، حتی آقای دیک چینی از لزوم لغو تحریم های اقتصادی خصوصاً رفع تحریم نفتی ایران صحبت میکرد. با قدرت گرفتن این دولت و تحولات بوجود آمده، محدودیتهای برای همکاری تجاری با ایران شدیدتر شد. در زمان حکومت آقای کلینتون، شرکت های نفتی آمریکایی در چارچوب مجموعه Engage همراه با بسیاری از شرکت های بزرگ آمریکایی برای لغو تحریم های ایران تلاش کردند.



موضوع سوم، اثر سرریز این گفت وگوها بر مذاکرات استفاده صلح آمیز ایران از انرژی هسته ای است. گفت وگویی ایران و آمریکا، حداقل در کوتاه مدت، موضع اروپائیان نسبت به پرونده را ملایم تر می کند و تا حدودی مانع فشار و روند شکل گیری اجماع جهانی علیه ایران می شود.

منطقه خاورمیانه در شرایط حاضر در وضعیت خطرناکی به سر می برد. اختلافات قومی، فرقه ای و مذهبی در عراق به نقطه خطرناکی رسیده است و جابه جایی های جمعیتی گروه های مختلف در بغداد و منطقه مرکزی عراق می تواند سرمنشاء تغییرات وسیع و نقطه پایان عراق یک پارچه باشد. در لبنان جمعیت های

مذاکره با آمریکا فرصتی مناسب برای رفع تدریجی اختلاف تاریخی است

مثبت؛ بدون تردید

هادی مهدویان

مسلمان و گروه های قومی و سیاسی به شکل خطرناکی مقابل یکدیگر صف آرای کرده اند. در افغانستان امیدهای مربوط به نوسازی جامعه و بازسازی اقتصادی این کشور رنگ باخته و خطر بازگشت اندیشه های افراطی اسلامی در شکل طالبان جدید قوت گرفته است. درگیری گروه های مختلف فلسطینی می تواند سرمنشاء گرفتاری های عمیق جدید و تضییقات سنگین برای جمعیت مسلمان فلسطین باشد. بخش قابل توجهی از گرفتاری های جهان اسلام در منطقه خاورمیانه با مشارکت و وساطت فعال دولت و گروه های بانفوذ ایرانی قابل حل و فصل است و منطقه را از وضعیت به شدت تهدیدآمیز کنونی خارج می کند.

در هر صورت مهم این است که حتی اگر بر اساس بدبینانه ترین سناریو، گفت وگوهای ایران و آمریکا به طور مطلق نیز شکست بخورد، باز هم دو کشور در موضع اولیه باقی می ماند و وضعیت بدتر از گذشته نخواهد شد. بحث عمده این است که با شکسته شدن یخ ها، طرف ایرانی بدون آنکه برآوردی بالا، غیرواقع بینانه و شتابزده نسبت به نتایج مذاکرات ایجاد کند باید با آرامش و طمأنینه و نیز درک صحیح از وضعیت پیچیده منطقه بر نتایج بلندمدت گفت وگو و تعامل، تاکید بیشتری داشته باشد. ●

یقیناً مذاکره میان ایران و آمریکا صرف نظر از نتایج کوتاه مدت آن بسیار مثبت است.

یکی از اولین و مهم ترین نتایج آغاز این مذاکرات آن است که تابوی عدم گفت وگو شکسته شد و دو طرف بر سر میز مذاکره به طرح نقطه نظرات خود پرداختند. این خود دستاورد بزرگی است. طی دهه های گذشته مسئولان جمهوری اسلامی و دولتمردان آمریکایی بعضاً به طریق غیرمستقیم و با واسطه با یکدیگر گفت وگو می کردند. گفت وگویی با واسطه، غیرشفاف، مبهم و همواره توأم با سوءظن و سوء تفاهم در گفت وگوها و در نتیجه مذاکرات است؛ به خصوص که حضور واسطه ذی نفع نیاز دارد.

دستاورد عمده دیگر این گفت وگوها کمک به ثبات و آرامش منطقه است. هم اکنون منطقه خاورمیانه و به خصوص جمعیت های مسلمان کشورهای منطقه در معرض آسیب ها و خطرات جدی قرار گرفته اند. مسایل عراق، افغانستان، لبنان، فلسطین و بخش های دیگری از این منطقه بسیار پیچیده و تاریخی است و اختلافات قومی و مذهبی در منطقه این ظرفیت را دارد که مسایل را غیرقابل حل کند. آغاز مذاکره میان ایران و آمریکا شدت این اختلافات را کاهش می دهد و به برقراری آرامش در منطقه کمک می کند.

هرگونه تحول در زمینه رفع ممنوعیت صدور نفت خام ایران به آمریکا، می تواند تأثیرات زیادی را در معادلات روابط نفتی جهان موجب شود

پس از تحولات ناشی از حوادث ۱۱ سپتامبر و قدرتمندتر شدن لابی صهیونیستی، شرکت های نفتی آمریکایی از دولت بوش قول گرفتند که دست شان در عراق پس از اشغال آن کشور باز باشد. در عین حال همکاری های وسیع این شرکتها با دیگر تولیدکنندگان عمده منطقه، مانند قطر در صنعت گاز، موجب شد این شرکتها عاجلاً نسبت به حضور در بازار ایران صبر پیشه کنند و از اینکه دولت آمریکا رقبای آن ها را برای ادامه فعالیت در ایران تحت فشار قرار می دهد، خوشحال باشند. تصمیم شرکت ژاپنی اینپکس مبنی بر کاهش سهم خود در پروژه آزادگان به ۱۰ درصد، که گفته می شود عمدتاً ناشی از فشارهای سیاسی آمریکا بوده است، از جمله این موارد است. ●